

جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان (۱)

فاطمه اشرفی / ۹۷ مهندس شهیده

در ابتدای امر باید جریان و جریان‌شناسی تعبیر معنا شود تا هدف ما از این نوشته واضح گردد. جریان فکری: به گروهی اجتماعی اطلاق می‌شود که گرایش‌های فرهنگی همگون یا یکسانی دارند و به سوی پدید آوردن یک خرده فرهنگ پیش می‌روند. جریان‌شناسی فرهنگی: شناسایی جریان‌های فکری موجود در جامعه و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس اصول، مبانی، اهداف و خط‌مشی‌های مورد پذیرش. جریان‌های فکری که پس از رنسانس و عصر روشنگری در غرب حاکم شد بر سه پایه اساسی استوار است: اول: اوپانیسم یا انسان‌گرایی که انسان را به عنوان موجودی مستقل و بی‌نیاز از هدایت معرفی می‌کند. دوم: لیبرالیسم یا اصالت بخشی به آزادی‌های فردی و انکار اصول اخلاقی و اجتماعی.

سوم: سکولاریسم یا دنیا‌گرایی که پیامد آن نفی دین در قانون‌گذاری بود. در جهان بینی و انسان‌شناسی جدید غربی زنان نیز متأثر از جریان‌های فکری؛ معنایی تازه یافتند. حرکتی که بر اساس مبانی برخاسته از رنسانس در دفاع از حقوق زنان آغاز شده بود به مدد اقتدار سیاسی و اقتصادی غرب آرام راه خویش را به شرق نیز گشود و حرکت‌های اصیل زنان را مورد تغییر قرار داد. تا جایی که آن‌ها را به این ذهنیت رساند که برای رسیدن به حقوق خود باید از الگوهای غربی پیروی کنند. اما ببینیم ریشه‌ی ماجرا کجاست؟! به جمله‌ی زیر دقت کنید:

«خدایان را شکر که یونانی آفریده شدم، آزاد آفریده شدم و زن آفریده نشدم» جمله‌ای که خوانندید شکرگزاری روزانه‌ی افلاطون فیلسوف بزرگ یونان باستان است! اندیشمندی که او را پایه گذار دموکراسی می‌دانند؛ در کتاب «جمهوریت» چنین می‌گوید: «سه گروه حق رای ندارند: بردگان، کسانی که زمین ندارند و زنان!»

شاید این قدیمی‌ترین مواجهه‌ی ظالمانه با زنان بوده است. اما جایگاه زن در یونان فراز‌هایی هم داشته است! تاجایی که الهه عشق و زیبایی شده و مورد پرستش واقع گردیده است! بهتر است جلوتر آمده و جایگاه زن را در شریعت

های زنده بررسی کنیم. در کتاب تورات (عهدعتیق، سفر پیدایش، باب دوم) که مسیحیان نیز به آموزه‌های آن باور دارند، در مورد خلقت حوا چنین آمده که او از قسمت چپ بدن آدم (ع) آفریده شده است. یعنی در تکوین، زن جنس دوم و فرع است. همچنین — در باب سوم — می‌بینیم که حوا عامل گناه اول؛ گناه خودش و آدم معرفی می‌شود. لذا مجازاتی که برای او در نظر گرفته می‌شود، حاکمیت مرد بر او و تحمل کردن درد زایمان است! (توجه کنید بعنوان مجازات معرفی می‌شود) این دیدگاه برخاسته از شریعت نسبت به زنان «هنوز» هم وجود دارد! و حتی رنسانس و کنار رفتن دین هم آن را کنار نروده است. چرا که می‌بینیم که کشیش‌ها برای تقرب به خدا هنوز هم باید از زنان دوری کرده و از ازدواج (!) منع می‌شوند!

نیوشا (به معنای شنوا)

اینجا شما بگوئید ما می‌شنویم!



نشریه واحد زنان و خانواده، سال اول، شماره اول، دی ۹۸

برای شروع...

نامت را گذاشتیم طلوع تاروشنگر باشی!
و قسم به روز، هنگامی که روشن و فروزان گردد...

بانوان نیمی از هر جامعه هستند که تأثیری مستقیم روی حیات و کیفیت زندگی نیمه‌ی دیگر آن می‌گذارند. انجمن اسلامی دانشجویان مستقل با همین نگرش که چیزی جز نگاه اسلام نیست، تصمیم بر انتشار نشریه‌ی مخصوص بانوان ذیل واحد زنان و خانواده‌ی خود کرده است. که در ابتدای امر لازم است نکاتی را خدمت شما مخاطبان گرامی عرض نمایم تا با طلوع بیشتر و بهتر آشنا شوید.

از زمانی که کار تشکیلاتی را در انجمن مستقل شروع کردیم، جای خالی یک نشریه در حوزه‌ی بانوان را در دانشگاه حس می‌کردیم اما مدتی طول کشید تا تصمیم بگیریم که کدام حوزه‌ی مربوط به زنان اولویت دارد. برآیند مشاهدات و مشورت‌های بسیار، این شد که تا زمانیکه دختران دانشجوی و در ابعاد وسیع تر تمام زنان جامعه، از دیدگاه‌های مختلف نسبت به هویت خود آگاهی نیابند، تا زمانی که جایگاه حقیقی خود را در نظام آفرینش باز شناسند و تا زمانی که از حقوق و تکالیف خود مطلع نباشند، نخواهند توانست آنطور که شایسته و بایسته است ایفای نقش کرده و به دنبال احقاق حقوق راستین خود باشند.

لذاست که از همین عدم آگاهی سواستفاده‌ها خواهد شد و افرادی از روی سوءنیت مسائلی غیرواقعی را برای زنان **دغدغه‌سازی** خواهند کرد. در حالیکه اگر آن انرژی مطالبه‌گری در مسیر اصلی‌اش صرف شود می‌تواند منجر به تغییراتی مثبت شود.

مخلص کلام؛ سعی داریم در هر شماره از نشریه‌ی طلوع که فعلا شکلی ماهنامه دارد، یک مسئله را تحت عنوان پرونده ویژه بررسی کنیم و در کنار آن؛ مختصری از نگاه مکاتب و ادیان مختلف نسبت به زن را شرح خواهیم داد و خواهیم گفت چرا اساسا نگاه دین مبین اسلام را بهترین و کامل‌ترین دیدگاه می‌دانیم.

همچنین در نظر داریم کمی از تاریخچه‌ی مطرح شدن موضوع حقوق زنان و دفاع از آن در جهان و ایران بگوئیم و در ادامه به معرفی برخی از حقوق و

ماهنامه طلوع

نشریه واحد زنان و خانواده انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

مدیر مسئول: فاطمه اشرفی

سر دبیر: فاطمه سادات رضوی

صفحه آرا و ویراستار: منصوره جعفری

هیئت تحریریه: فاطمه اشرفی، منصوره جعفری، مریم جعفری نژاد،

فاطمه موذنی

با ما در ارتباط باشید:

@mostaghelsharif

تکالیف بانوان خواهیم پرداخت که عمدتاً برخاسته از جنسیت او بوده و ذیل چارچوب دین، در قوانین جمهوری اسلامی وضع شده اند. در واقع در این بخش قصد آگاهی دهی داریم تا با کمک شما مخاطبان گرامی، آن بخش از قوانین کشور را که دچار نقص است و نیاز به تغییر یا تکمیل دارد پیدا کرده و به دنبال اصلاح آن باشیم.

از آنجایی که در نگاه اسلامی؛ زن و مرد هر دو در چارچوب خانواده تعریف شده اند، چگونگی شکل‌گیری این نهاد مقدس برای ما اهمیت بسیاری دارد. لذا بخش ازدواج فیروزه‌ای که پیش از این در نشریه‌ی ادبی هنری انجمن مستقل یعنی «الف‌ها» منتشر می‌شد، به طلوع منتقل شده است تا تجربه‌ی ازدواج‌های ساده‌ی دوستانمان در دانشگاه شریف و سایر دانشگاه‌ها را ببینیم و با سبک زندگی ایرانی-اسلامی بیشتر آشنا شویم.

و اما بخش آخر که مربوط به شماست! «نیوشا». در این بخش شما می‌گوئید و ما گوش شنوای درد دل‌های شما خواهیم بود. از آنجایی که ما در مسند تصمیم‌گیری نیستیم و میزان اثرگذاری محدودی داریم، شاید تنها کاری که در این بخش محقق شود، بازتاب مشکلات دانشجویان خانم دانشگاه باشد که شنیدن آنها کمترین حق ماست و حل شدن آن‌ها همکاری و همدلی حداکثری مسئولان را می‌طلبد.

علاوه بر این چهار بخش ثابت، در برخی شماره‌ها نیز در مورد سبک زندگی خواهیم گفت.

از طریق شناسه‌ی @sut_mostaghel در تلگرام و بله، می‌توانید ما را از انتقادات و پیشنهادات خود مطلع سازید که سخت‌بدان نیازمندیم. همچنین می‌توانید در نوشتن مطالب با ما همکاری کنید. در ادامه اولین پرونده‌ی ویژه‌ی طلوع تقدیمتان می‌شود.

پرونده ویژه: سخنگو به راه زد

منصوره جعفری/۹۳ فیزیک



بسیار فاصله گرفته است. اما بعد از شنیدن پاسخ‌ها، نکاتی جدی وجود داشت که به دلیل کمبود وقت در آن جلسه فرصت نشد بگویم که موضوع این پرونده هستند. در مورد آمار اشتغال زنان مهمترین سوال این است که چرا با اعداد بازی می‌کنند؟! آیا اینکه ۶۶ درصد مشاغل در دست زنان است به معنای بی‌اشکال بودن آن است؟! آیا شغل‌های ایجاد شده در راستای تسهیل سایر نقش‌های زنان است؟! اگر دولتمردان ما فقط روزی دوبار سوار مترو شوند، یکی هشت صبح و دیگری چهار بعدازظهر، متوجه می‌شوند که اینگونه نیست! زنان همپای مردان ساعتی طاقت فرسا کار می‌کنند و در انتهای روز خسته و بی‌رمق به خانه برمی‌گردند. آیا این زن دیگر رمقی برای ایفای سایر نقش‌هایش خواهد داشت؟! سوال مهم دیگری هم اینجا بی‌پاسخ می‌ماند: مگر زنان مسئول تأمین اقتصادی خانواده‌اند که به این آمار وحشتناک می‌بالند؟! خیر، در نگاهی که اسلام به زنان دارد، هیچ مسئولیتی برای تأمین معاش خانواده بردوش آنان نیست. حتی اگر درآمد یا ثروتی هم داشته باشد، مختار است که آن را برای خودش نگه دارد یا به‌عنوان کمک خرج خانواده استفاده کند. اگر از دولتمردان جواب بخواهید: با پاک کردن صورت مسئله خواهند گفت: زنان در خانه وظیفه‌ای ندارند! باید مرد هم در خانه همکاری کند. این درست که زندگی مشترک ایده‌آل درک دوطرفه و همکاری به همراه دارد اما این فرار از راه‌حل دادن است! راه‌حل: کاهش ساعت کاری زنان و ایجاد شغل‌های پاره وقت و دورکاری است تا هم زن استعداد و تحصیلاتش را به کار گیرد و در جامعه مفید باشد و هم خانواده دچار تلاطم نشود. از طرفی بخش مهمی از درصد گفته شده هم مرهون دستمزد کمتر زنان نسبت به مردان است که کارفرمایان را به استخدام زنان ترغیب می‌کند. بحث جذابیت‌های جنسی هم بماند.

در مورد پرداخت یارانه‌ی سوخت و بطور مشخص بنزین، ما می‌بینیم که با افزایش نفقات خانواده، کمک معیشتی از نفری ۵۵ هزار تومان به ۴۱ هزار تومان می‌رسد. یعنی هرچه فرزند کمتری داشته باشید ما بیشتر حمایتان می‌کنیم! دولتمردان ما که در همه چیز نگاهشان به غرب است، خوب است به سیاست‌های اجرا شده‌ی کشورهایی مثل سوئد

و نروژ در حمایت از افزایش جمعیت هم نگاهی بیندازند.

تخصیص این یارانه به گونه‌ای است که خانواده‌های بیش از پنج نفره که عمدتاً هم از اقشار ضعیف جامعه هستند نادیده گرفته شده‌اند! منطق پشت این کار راهم که دیدید! آنجا که به نفعشان باشد یک نفر هم برایشان اهمیت دارد اما در این مورد چیزی در حدود چهار میلیون خانواده نادیده گرفته شده‌اند! یعنی شما قانون برای کاهش فاصله‌ی طبقاتی تصویب کنید، بدهید به ما تا کاملاً در خلاف آن اجرایش کنیم!

در مورد قانون تسهیل ازدواج فقط به افزایش وام آن اشاره شد. در حالیکه این وام در برابر هزینه‌های یک ازدواج ساده هیچ است چراکه در بهترین حالت هزینه‌ی وسایل اولیه‌ی زندگی خواهد شد. و چون از صندوق اندوخته‌ی جوانان و دیگر قوانین مربوط به تأمین مسکن هم خبری نیست، تنها راه‌حل خانه‌دار شدن، وام پر در دسترس مسکن است. در این بین آن درصد اشتغال زنان را هم با بندی از این قانون که می‌گوید در دریافت وام‌ها و مشاغل باید متاهلین در اولویت باشند، مقایسه کنید. یک زندگی عاشقانه و این همه دردسر! ازدواج دیگر کار هرکسی نیست! حالا بیا و از بالا رفتن سن ازدواج و افزایش طلاق بگو...

در میان این مشکلات، بیمه‌ی زنان خانه‌دار هم مسئله‌ی پررنگی است. زن خانه‌داری که مسئولیت تربیت نسل را برعهده دارد و اسلام بهترین اجر را برایش قائل است، در کشور اسلامی ما از حداقل حق خود یعنی داشتن

ازدواج فیروزه‌ای

ورودی ۹۷ رشته‌ی مهندسی مواد

ترم اول بودم و تازه با محیط دانشگاه آشنا می‌شدم. بخاطر فعالیت‌هایی که قبل از دانشجو شدنم در دانشگاه شریف داشتم، دوستان مرا فقی نصیب شده بود که الحمدالله جنس رفاقتشان هم مثل خودشان ناب بود.

یک سالی می‌شد که خانواده‌ام اجازه می‌دادند و پای خواستگار به خانواده ما باز شده بود. از قبل هم از طریق دوستان و آشنایان مواردی معرفی می‌شدند که هیچکدام باب میل نبودند. بعضی جتم کار کردن نداشتند و بعضی پای ایمانشان می‌لنگید...

اواسط مهر ماه بود که یکی از همین دوستان کسی را معرفی کرد. به تازگی یک مورد را رد کرده بودم... دودل بودم...

راستش دیگر نمی‌خواستم کسی را بپذیرم. می‌خواستم برای مدتی فقط به درس و دانشگاهم و فعالیت‌های دانشجویی‌ام برسم. از طرفی هم نمی‌خواستم بی دلیل کسی را رد کنم. با خودم گفتم این آخرین کسی ست که راه می‌دهم! خلاصه دل را به دریا زدم و شماره مادرم را جهت آشنایی دادم. همان شب تماس گرفتند.

قرار شد پدرم با ایشان ملاقاتی داشته باشند. چند روز بعد، پدرم به منزل آمد و با مادرم صحبت کرد. متوجه شدم که در مورد من با هم حرف می‌زنند. پدرم بعد از ملاقات به او گفته بود که می‌توانند با خانواده بیایند.

خیلی تعجب کردم! معمولاً پدرم چند روزی فکر می‌کرد و تحقیق. مادرم به شوخی می‌گفت: «فکر می‌کنم خیلی ازش خوشش اومده...»

پنج شنبه شبی بود که به خانه‌مان آمدند. من قبلاً به خانواده گفته بودم که بهتر است جلسه اول من و ایشان صحبت نکنیم و صرفاً خانواده‌ها با هم آشنا شوند.

لذا در اتاق پذیرایی نشسته بودیم و از مهمان‌ها پذیرایی می‌کردیم. مادرم پیشم نشست و در گوشم گفت: «دخترم مادرشان از من خواستند که شما

دوتا با هم صحبت کنید. چی بگم؟»

گفتم: «امانم قرار بود حرف نزنیم...»

مادرم گفت: «زشته آخه... کوتاه حرف بزنی!»

خلاصه به اتاق رفتیم... قرار بود ۲۰ دقیقه صحبت کنیم، یک ساعت و ۲۰ دقیقه صحبت کردیم! اصلاً متوجه گذر زمان نشده بودم!

از ایمان می‌گفت و از انقلاب... از کارهایی که می‌خواست برای جامعه‌اش انجام دهد و علاقه‌هایش...

بعد از جلسه اول، اربعین شد و بحث کربلا رفتن من مطرح شد. قرار بر این

بیمه برای روزهای پیری و ناتوانی محروم است. که راه حل را باید در تغییر نگرش مردم و مسئولین به خانه‌داری بعنوان یک شغل نه یک وظیفه و نیز اصلاح سیاست‌های بیمه‌ای کشور جستجو کرد. اگر این زن معتقد و پایبند به خانواده بخواهد کار کند، باید تعهد دهد که تا پایان قرارداد کاری باردار نشود چراکه دیگر برای کارفرما صرفه‌ی اقتصادی ندارد! آقای ربیعی هیچ جواب قانع کننده‌ای برای این دوراهی پول و فرزند نداشتند! چرا که اساساً دولت نه فقط برای اقتصاد بیمار، که برای هیچ چیز برنامه‌ای نداشته که بخواهد اجرا کند!

مشکلات بانوان ایرانی بیش از اینهاست که مطالبه‌ی هرچه بیشتر ما را می‌طلبد. اما راستش را بخواهید من همان اول صحبت می‌دانستم که پاسخی نخواهم گرفت. نباید از نماینده‌ی تفکری که اگر میان بیانیه خوانان دنبال یک دختر می‌گردد نه برای شنیدن حرف‌ها؛ که برای تأمین ژست طرفدار حقوق زنان بودن است، توقع داشت که بگوید: حق با شماست! اما ما کاری کرده‌ایم که هیچ زن بی‌اید سرپرستی مجبور نباشد برای گذراندن زندگی، در مترو آدمس بفروشد!

حاشیه نویسی: آقای ربیعی گلایه کرده بودند که چرا بین بیانیه خوانان هیچ خانمی نبود؟ بعنوان دبیر اسبق انجمن اسلامی دانشجویان مستقل رقوم پشت تریبون تا بدانند دختران مسلمان و انقلابی این سرزمین علاوه بر درس خواندن، در تشکل‌ها فعالیت جدی می‌کنند و به دنبال راه‌حل برای رفع مشکلات‌اند.

شد که جلسه دوم خواستگاری بعد از سفر من باشد. با گروه خادمین دانشجویهای شریف عازم کربلا شدم. بهترین لحظات عمرم بود... از آقا خواستم که بهترین خیر را نصیب کنند... قرار بود سفر ۶، ۵ روزه باشد، که ۱۲، ۱۳ روز طول کشید.

بعد از کربلا به همراه برادرم و همسرش به زیارت کاظمین و سامرا رفتیم. و بعد از دو هفته به تهران برگشتیم. متوجه شدم که در این بازه مسافرت؛ دو بار تماس گرفته بودند.

در جلسه بعدی بیشتر صحبت هایمان در مورد اهدافمان و خصوصیات اخلاقیمان بود و انتظاراتی که داریم. در صحبت هایمان به نکته‌ی منفی‌ای بر نخوردیم.

به آن روز‌ها که فکر می‌کنم، می‌بینم واقعا کار خدا بود... همه چیز خیلی آرام و خوب جلو رفت... انگار همه از اول می‌دانستند جواب «بله» است...

بعد از چند جلسه رفت و آمد و چند جلسه مشاوره، قرار بله برون گذاشته شد... «نمی‌شود سختی ندارد...»

زندگی سختی ندارد... ولی قشنگی‌اش به همین است که سختی‌ها را «باهم» پشت سر بگذاریم و زندگیمان را با هم بسازیم!

این جمله‌ای بود که همسر همیشه در جلسات خواستگاری برایم تکرارش می‌کرد... و چقدر درست می‌گفت...



دولنگه‌ی یک‌دَر

اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه‌ی یک در دو سنگ‌زنش در جبهه‌ی نبرد زندگی قرار داده است. این دو جنس، اگر با موازینی که اسلام معین کرده در کنار هم زندگی کنند، خانواده‌ای ماندگار و مهربان و پابریکت خواهند داشت.

